

به نام پروردگاریکتا

علوم انسانی با رویکرد میان فرهنگی

از مجموعه پژوهش‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

علی اصغر مصلح



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

علوم انسانی با رویکرد میان‌فرهنگی

مؤلف: علی اصغر مصلح

همکاران: رضا دهقانی، فرزانه قدمیاری، ماندانا چگنی فراهانی،

احمد رجبی، علی حاتمیان، حسن رحمانی،

عبداله سالاروند و مینا قاجارگر

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۵۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: مصلح، علی اصغر، ۱۳۴۱- Mosleh, Ali Asghar
عنوان و نام پدیدآور: علوم انسانی با رویکرد میان‌فرهنگی / علی اصغر مصلح؛ همکاران رضا دهقانی... [و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵س.م.

فروست: ...مجموعه پروژه‌های "طرح جامع اعتلای علوم انسانی".

شابک: 978-622-6304-96-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: همکاران رضا دهقانی، فرزانه قدمیاری، ماندانا چگنی فراهانی، احمد رجبی،

علی حاتمیان، حسن رحمانی، عبداله سالاروند و مینا قاجارگر.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۵] - ۲۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علوم انسانی، موضوع: Humanities

موضوع: ارتباط میان‌فرهنگی، موضوع: Intercultural communication

شناسه افزوده: دهقانی، رضا، ۱۳۶۱ -

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: AZ۱۰۱

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۸۳۹۸۱

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست

۷	سخن پژوهشگاه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: مقدمه
۳۱	فصل دوم: بحران علوم انسانی در عالم معاصر و ضرورت طرح رویکردهای جدید
۳۲	۱.۲ نسبت انسان با ظهور علم و تکنولوژی جدید
۳۵	۲.۲ مواجهه با شرایط جدید
۳۹	۳.۲ اروپامحوری؛ بحران علوم اروپایی
۴۳	فصل سوم: معرفی فلسفه میان فرهنگی
۴۴	۱.۳ بنیادهای فکری و فلسفی اندیشه میان فرهنگی
۵۸	۲.۳ پیشگامان اندیشه میان فرهنگی
۶۲	۳.۳ چستی فلسفه میان فرهنگی
۶۲	۱.۳.۳ رویکردهای فیلسوفان میان فرهنگی درباره چستی فلسفه میان فرهنگی
۶۳	۲.۳.۳ آنچه فلسفه میان فرهنگی نیست
۶۵	۳.۳.۳ تحلیل مفاهیم فلسفه و فرهنگ، و رابطه میان آنها در فلسفه میان فرهنگی
۶۵	۱.۳.۳.۳ فلسفه چیست؟
۷۰	۲.۳.۳.۳ فرهنگ چیست؟

	۴ علوم انسانی با رویکرد میان‌فرهنگی
۷۱	۳.۳.۳.۳ صورت‌های روابط میان فرهنگ‌ها
۷۲	۴.۳.۳.۳ رابطه میان فرهنگ و فلسفه
	فصل چهارم: بصیرت‌های میان‌فرهنگی در جهت مفاهمه فرهنگ‌ها؛ روش‌های
۷۵	پژوهش در علوم انسانی
۷۹	۱.۴ پولی‌لوگ
۸۵	۲.۴ دیالوگ میان‌فرهنگی
۹۵	۳.۴ هرمنوتیک آنالوژیک
۹۹	فصل پنجم: بازاندیشی مقولات علوم انسانی در پرتو بینش میان‌فرهنگی
۱۰۱	۱.۵ مفاهیم سطح ۱
۱۰۱	۱.۱.۵ دیگرآیینی
۱۰۴	۲.۱.۵ هویت شخصی و جمعی
۱۰۶	۳.۱.۵ یکپارچگی شخصی و یکپارچه‌سازی جمعی
۱۰۹	۴.۱.۵ درهم‌آمیزی فرهنگی
۱۱۳	۲.۵ مفاهیم سطح ۲
۱۱۳	۱.۲.۵ دیاسپورا
۱۱۶	۲.۲.۵ هژمونی
۱۲۰	۳.۲.۵ امپریالیسم اخلاقی
۱۲۳	۴.۲.۵ قوم‌محوری
۱۲۶	۵.۲.۵ مدارا
۱۲۸	۶.۲.۵ بنیادگرایی
۱۳۰	۷.۲.۵ تبعیض
۱۳۳	۸.۲.۵ تروریسم
۱۳۸	فصل ششم: نتیجه؛ ترسیم افق علوم انسانی میان‌فرهنگی

فهرست ۵

۱۴۹	پیوست‌ها
۱۴۹	پیوست یک: فلسفه میان فرهنگی و گفتار مدرنیته؛ طرحی برنامه گونه
۱۷۲	پیوست دو: درباب هویت انقلاب
	پیوست سه: زیبایی شناسی میان فرهنگی؛ تأثیر متقابل فلسفه میان فرهنگی و
۲۰۳	زیبایی شناسی
۲۳۰	پیوست چهار: درباب اهمیت کثرت؛ رویکردهایی جدید در تحلیل میان فرهنگی
۲۵۵	منابع

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)
۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)
۳. شیوه‌ها و مظاهر کار بست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کار بست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به

همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به شمار می آید.

بدیهی است با همه مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغه استاد زنده‌یاد دکتر صادق آینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمد رضا امیری طهرانی زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمد رحیم ربانی زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

سخن پژوهشگاه ۱۱

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

پیشگفتار

مجموعه پیش رو حاصل کوشش جمعی از پژوهشگران علاقه مند به حوزه فلسفه میان فرهنگی^۱ در دوره ای دوساله است. فلسفه میان فرهنگی جریان فکری - فلسفی نوپدید است که خود را تفکری متناسب با دوران کنونی می داند و متفکران و پژوهشگران را به درپیش گرفتن مسیر مشارکت، مفاهمه و همگرایی دعوت می کند. تفکر میان فرهنگی منتقد اساسی خودمطلق انگاری و خودمرکز پنداری است و ضمن به رسمیت شناختن حق هر فرهنگ برای حفظ گذشته و داشته هایش، برای رویارویی با مسائل مشترک جهانی، به تمرین ایستادن در «میان»^۲ و ارج نهادن «دیگری»^۳ در همه مراحل اندیشیدن فرا می خواند. با این توصیف، از فلسفه میان فرهنگی انتظار می رود که در حوزه های مختلف علمی، هنری، دینی و مقولات مختلف زندگی، از جمله علوم انسانی، نقش ایفا کند.

با توجه به رویداد انقلاب اسلامی ایران و خواست تحول در سطوح مختلف، بحث از تناسب علوم انسانی با فرهنگ ایرانی - اسلامی سابقه ای چهل ساله دارد. در این دوره، متفکران و پژوهشگران مختلفی وارد شدند و اندیشه ها و الگوهایی متفاوت را عرضه کردند. پژوهش پیش رو با التفات به

-
1. Interkulturelle Philosophie
 2. Inter
 3. Andere

همین سابقه و خواست، و با نظریه تحولات فلسفه معاصر و سنت تازه شکل گرفته «فلسفه میان‌فرهنگی» انجام شده است. اگر بناست که علوم انسانی متناسب با جامعه ایران شکل بگیرد، لزوماً باید تناسبی با تاریخ و فرهنگ ایرانی در زمان معاصر داشته باشد. کلیت همین دریافت باعث طرح اندیشه «علوم انسانی بومی» شده است. بومی شدن علوم انسانی غربی خواستی بجا می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد که در این خواست همه ماجراهای علوم انسانی انعکاس نیافته است. قصد بومی‌سازی علوم انسانی رفتاری واکنشی نسبت به این علوم است؛ قصدی نیمه‌تمام و حاصل تلقی و تصویری ناکافی از این علوم. در کوشش برای بومی‌سازی علوم انسانی با اعمال تغییرات سطحی، این علوم را با فرهنگ خود متناسب نساخته‌ایم و از آن فراتر به بحران این علوم در خود غرب توجه نکرده‌ایم. علاوه بر این، پیش از اقدام برای بومی‌سازی این علوم باید به نحوه درک و پذیرش این علوم در فرهنگ خود توجه کنیم. علوم انسانی و آینده آن تنها مسئله کشورهای نیست که نگاهی منتقدانه به غرب دارند. بحران فرهنگ اروپایی به گونه‌ای است که باید همه مقوماتش، از جمله علوم انسانی، را بررسی کرد.

«تفکر میان‌فرهنگی» یکی از تجارب و سنت‌های جدید در این مسیر است. بینش و تفکر میان‌فرهنگی، که در «فلسفه میان‌فرهنگی» صورت مفهومی پیدا کرده است، در سال‌های اخیر پایه تحقیقات مختلفی در حوزه‌های مختلف، از جمله علوم انسانی، قرار گرفته است. در این فلسفه با نقد مطلق‌انگاری فلسفه اروپایی، شرایط برقراری نسبت متقارن میان فرهنگ‌ها، برای فراهم شدن زمینه گفت‌وگو میان آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس جهت‌گیری فلسفه میان‌فرهنگی، هیچ فرهنگی مطلق و میزان برای سایر فرهنگ‌ها نیست. برای مواجهه با مسائل مشترک فرهنگ‌ها باید زمینه‌ای فراهم شود که هر

پیشگفتار ۱۵

فرهنگ در جهت تقویم و تثبیت خود حرکت کرده، درک و دریافت خود را عرضه کند و بکوشد با درک عمیق دیگران با آن‌ها وارد گفت‌وگو شود. اگر در حوزه علوم، به خصوص علوم انسانی، بازگشت به مبانی و بهره‌مندی از تفکر معاصر معنا داشته باشد، فلسفه میان‌فرهنگی تجربه‌ای مفهومی شده است که دانشمندان علوم انسانی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. امیدواریم این پژوهش گامی جهت غنا و بصیرت بخشیدن بیشتر به این مسیر باشد.

در شکل‌گیری این مجموعه عوامل و افراد بسیاری سهم داشته‌اند که جا دارد از آن‌ها تشکر کنیم. پیش از همه از رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اعضای محترم شورای سیاست‌گذاری و شورای علمی طرح جامع اعتلا و ساماندهی علوم انسانی سپاسگزاریم. علاوه بر این، قدردان زحمات استادان و دانشجویانی هستیم که در تهیه منابع، ترجمه، تدوین، نگارش و ویرایش متن با ما همکاری کردند.

فصل اول

مقدمه

تاریخ اندیشه و علم نشان می‌دهد که جریان تاریخی علوم و رویکرد انسان به طبیعت، به‌ویژه پس از رنسانس، به‌گونه‌ای پیش رفت که ریاضیات و علوم طبیعی به جایگاهی رفیع رسیدند و بدین ترتیب، الگوی خاصی از معرفت حاکمیت جزمی یافت. در قرن نوزدهم و در عصر سیطره نگره‌های پوزیتیویستی، ديلتای^۱ با پرسش از وجه اعتبار و عینیت علوم طبیعی برآن شد تا راهی برای فراهم کردن اعتبار و عینیت برای علوم انسانی بیابد و این قسم از دانش را از هجمه‌های پوزیتیویستی برهاند که در افراطی‌ترین صورت به بی‌معنایی گزاره‌های علوم مختلف انسانی حکم می‌کردند.

دیلتای به تعبیری مسیرایدئالیسم انتقادی کانت^۲ را ادامه داد. کانت در نقد عقل محض، مبانی شناختی ریاضیات و علوم طبیعی را استحکام بخشیده بود و دیلتای نیز به دنبال مبانی شناخت در علوم انسانی بود. او درباره نحوه شناخت از عالم بیرون مخالفتی با کانت نداشت و خود نیز تبیین مشابهی از آن عرضه کرد؛ اما با نوع تحلیل او از تجربه درونی مخالف بود و نارسایی معنای زمان و تاریخ در قلمرو این تجربه و باور را مورد انتقاد قرار داد. از نظر دیلتای، کانت نسبت به قلمرو علوم انسانی غفلت ورزیده است، علمی

1. Wilhelm Dilthey (1833-1911)

2. Immanuel Kant (1724-1804)

که موضوع آن‌ها واقعیت تاریخی - اجتماعی است و دقیقاً با عنصر تجربه درونی و زمانمندی حاضر در بطن آن تعریف می‌شوند. دیلتای هدف اصلی خویش را در کتاب *مقدمه بر علوم انسانی*^۱، ادامه طرح ناتمام کانت اعلام کرد و کوشید تا شیوه انتقادی او را در قالب نقد عقل تاریخی به حوزه علوم انسانی نیز گسترش دهد. او که از سویی متأثر از مکتب تاریخی‌نگری و از سوی دیگر منتقد این مکتب بود، تعریف تازه‌ای از تاریخ و پیوند آن با علوم انسانی عرضه کرد. دیلتای در پی نشان دادن تاریخمندی ذاتی تجربه درونی بود و می‌کوشید تا با تحلیل دقیق علوم انسانی مختلف، ابتدای این علوم بر تجربه درونی را نمایان کند. از نظر او تاریخ دیگر جریانی بریده بریده و بر ساخته از حوادث مرده بی‌بازگشت نبود، بلکه بسترو بنیان تجربه‌های زیسته آدمی و عینیت‌یافتگی‌های بیرونی آن‌ها بود.

دیلتای در طرح خود با عنوان بنیادگذاری علوم انسانی، در جست‌وجوی شناخت مفهومی عینی^۲ در علوم انسانی برآمد. از نظر او، علوم انسانی برخلاف علوم طبیعی دچار فقدان روش مناسب خود بود. از همین رو، در دوره اول فکری خود متناسب با نظرش در باب موضوع علوم انسانی از روش درون‌نگری به منزله روش فراخور علوم انسانی سخن گفت. دیلتای در این دوران بنیاد پژوهش اجتماعی - علمی را در تجربه درونی یا امور واقع آگاهی قرار داد. از دیدگاه او همان‌طور که بنیادهای علم طبیعی از نظر کانت در اصول فاهمه محض ریشه دارد، شرایط اعتبار و عینیت علوم انسانی در تجربه درونی یافت می‌شود. به تعبیر دیگر، باید گفت آنچه بر همه امور واقع حاکم است، شرایط آگاهی است و بدین ترتیب فقط با تأمل در بنیادهای روان‌شناختی علوم انسانی است که می‌توان از عینیت علوم انسانی سخن گفت. دیلتای پس از

1. Introduction to the Human Sciences

2. objektive Erkenntnis

چندی تحلیل، ساختارهای ذهنی و درون‌نگری را برای درک کامل حیات درونی انسان ناکارآمد دانست و در دوره دوم فکری خود موضوع علوم انسانی را روح و تعیین‌یافتگی‌های آن و به تعبیری روح عینی، تجلیات زندگی یا تعیین‌یافتگی روح دانست و روش فراخور آن را فهم و تفسیر دانست. با توجه دیلتای به فهم و تفسیر است که جایگاه هرمنوتیک در اندیشه او روشن می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت که دیلتای ابتدا جریان شناخت را از درون به بیرون می‌دانست و از آنجا که آگاهی به تجربه درونی را آگاهی بی‌واسطه می‌دانست، درون‌نگری را روشی مناسب برای حرکت در علوم انسانی می‌پنداشت. از نظر او با اینکه درون‌نگری ناظر به احوال روانی انسان و تجربه زیسته اوست، راه پی بردن به احوال انسان نه درون‌نگری، بلکه توجه به تجلیات بیرونی این حالات درونی و تجربیات زیسته است. در اندیشه دیلتای ظهور مادی حیات در عالم بیرون است و دلالت حیات نیز به حیات انسانی است. دیلتای معنای روح عینی را در ارتباط با امکان معرفت در علوم انسانی نشان داده است. مراد او از روح عینی، صور متنوعی است که در آن‌ها مایه‌های مشترک میان افراد مختلف در عالم محسوس تعیین یافته است. در این روح عینی، گذشته به شکلی ماندگار حضور دارد. گستره این روح از سبک زندگی و صور روابط اقتصادی تا کل نظام غایاتی که جامعه برای خود سامان بخشیده، اخلاق، حقوق، دولت، دین، هنر، علم و فلسفه، کشیده شده است. از نظر دیلتای، علمی که می‌تواند به نحوی قاعده‌مند تجلیات زندگی یا روح عینی را فهم و تفسیر کند، دانش هرمنوتیک است. روش فهم روح عینی درون‌نگری فردی روان‌شناختی نیست، بلکه کنش تفسیری بی‌پایان است. هرمنوتیک دیلتای رنگ و بوی روان‌شناختی و تاریخی دارد و در واقع تفسیر حیات تاریخی انسان است.

تأثیر ديلتای بر متفکران پس از خود را نمی‌توان انکار کرد. گادامر^۱ یکی از متفکرانی است که نام او به هرمنوتیک گره خورده است و در عین تأثیری که از ديلتای پذیرفته است از مهم‌ترین منتقدان او به شمار می‌رود. گادامر به جهت درهم‌آمیختن یقین علمی با یقین زیسته و ناسازگاری اندیشه‌های شناخت‌شناسی او با فلسفه حیاتش از ديلتای انتقاد کرد. از نظر گادامر همین درهم‌آمیختن نابجاست که باعث می‌شود ديلتای یقین علمی را صورت کمال یافته یقین زیسته بداند یا به عبارتی انتظار داشته باشد که عدم قطعیت نهفته در زندگی را علم و روش علمی، و نه خود تجربه زندگی، از میان ببرند. در واقع ديلتای اگرچه با تفاوت گذاشتن میان تبیین و فهم، به دنبال متمایز کردن شناخت در علوم طبیعی از شناخت در علوم انسانی بود و عینیت هر کدام از این دو شناخت را متفاوت می‌دانست و بر آن بود تا با پایه قرار دادن فلسفه زندگی (حیات) و نقد پوزیتیویسم این تمایز را برقرار کند، بازمانده پیش‌فرض‌های روشنگری و غلبه شناخت‌شناسی دکارتی در اندیشه او مجال نداد که تاریخی بودن تجربه تاریخی، جایگاه خود را در تفکر او بیابد و در نهایت، نتوانست از آرمان عینیت در علوم انسانی دست بردارد. همچنین او نتوانست عینیتی متمایز برای آن وضع کند و سرانجام عینیت و التزام به روش‌شناسی در علوم انسانی مقصد حرکت او باقی ماند. ديلتای با رویکرد عینیت‌گرای خود فهم را نوعی بازتولید می‌دانست و بر این باور بود که گذشته را باید از منظر خودش و در درون افق تاریخی خودش دید. در مقابل، گادامر تأکید می‌کند بر اینکه معنای متن به آنچه مؤلف قصد داشته است به خوانندگان منتقل کند محدود نیست. هر عصری متن را به گونه‌ای می‌فهمد؛ چراکه معنای متن به موقعیت تاریخی مفسر و همچنین به کلیت جریان عینی تاریخ بستگی دارد. از نظر گادامر، معنای متن همواره و نه حتی

1. Hans Georg Gadamer (1900-2002)